



از بازار فروش تا منتخب جشنواره

آسیب‌شناسی تأثیر جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد در فروش آثار منتخب

دکتر خسرو داوودی

مقدمه

بسیاری از فیلم‌های سینمایی منتخب جشنواره‌های فیلم در گیشه‌های سینما ناموفق هستند. داوران فیلم‌های هنری را انتخاب می‌کنند، ولی مردم رغبتی به دیدن آن فیلم‌ها ندارند. فیلم‌هایی پرفروش می‌شوند که از نظر هنرمندان فاقد استانداردهای هنری هستند و فیلم‌هایی تحت عنوان «هنر برای هنر» از دید کارشناسان، منتقدان و سینماگران آثار برجسته‌ای به‌شمار می‌روند. اما عموم مردم چنین درکی از این فیلم‌ها ندارند و متوجه برجستگی‌ها و ویژگی‌های هنری آن‌ها نمی‌شوند.

همین اتفاق در مورد کتاب‌های آموزشی هم می‌افتد. کتاب‌هایی که از دید کارشناسان و داوران امتیاز بالایی دارند و در جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد رتبه می‌آورند و برگزیده می‌شوند، در بازار

کتاب با استقبال مواجه نمی‌شوند. از طرف دیگر هم، تعدادی از کتاب‌های کمک‌درسی که در همان نگاه اول از گردونه ارزیابی خارج می‌شوند، توفیق زیادی در بازار دارند. از فروش خوبی برخوردارند و معلم، دانش‌آموز و اولیا به دنبال چنین کتاب‌هایی می‌گردند. حتی کتاب‌هایی که پاسخ سؤال‌های کتاب‌های درسی را می‌دهند که کارشناس و معلم و همه و همه قبول دارند که از نظر آموزشی نه تنها مناسب نیستند، بلکه مضر هم هستند، بسیار فروش دارند. این نوشتار تلاش دارد به آسیب‌شناسی این موضوع بپردازد و تا حد امکان راهکارهایی ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: کتاب‌های آموزشی، کتاب‌های کمک‌درسی، آموزش معلمان و ارزشیابی

طرح سامان‌دهی

طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی با هدف تغییر وضعیت تشریح شده به تصویب رسید. قرار بود با اجرای این طرح آشفته‌گی بازار کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی سامان یابد، اما این اتفاق هنوز به‌طور کامل نیفتاده است. یکی از دلایل متصور می‌تواند به‌طور کامل اجرا نشدن این طرح باشد. علی‌رغم تمام تلاش‌هایی که در دبیرخانه طرح سامان‌دهی به‌عمل می‌آید، اما خروجی‌های این طرح هنوز جایگاه لازم را کسب نکرده‌اند. فهرستی از مواردی که سبب شده‌اند، طرح هنوز به‌طور کامل اجرا نشود، به شرح زیر است:

- روش‌های اطلاع‌رسانی کارایی لازم را ندارند، به‌طوری‌که اغلب معلمان هنوز با این طرح آشنایی ندارند.
- برگزیدگان جشنواره در انتهای کتاب‌های درسی به‌عنوان کتاب‌های مرتبط و مناسب معرفی نمی‌شوند.

■ در خرید کتاب توسط آموزش و پرورش یا شهرداری‌ها، برای برگزاری نمایشگاه‌های کتاب و یا توزیع کتاب‌ها در مدارس، به فهرست کتاب‌های مناسب (کتاب‌نامه) یا برگزیده جشنواره توجهی نمی‌شود.

■ هنوز بخش‌هایی از آموزش و پرورش، از جمله «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» و «منادی تربیت» به‌طور موازی کتاب‌های مناسب را داوری و انتخاب می‌کنند و به خروجی طرح سامان‌دهی بی‌توجه هستند.

■ اغلب ناشران و دست‌اندرکاران نشر کتاب‌های

آموزشی، معلمان و مؤلفان از کتاب‌های راهنمای تولید مواد آموزشی مکتوب باخبر نیستند و اطلاع‌رسانی کارآمد در این زمینه انجام نشده است.

■ در جهت خرید کتاب‌های منتخب جشنواره اقدامی از طرف آموزش و پرورش به‌عمل نمی‌آید.

موارد فوق برخی از دلایلی هستند که نشان می‌دهند، طرح سامان‌دهی هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده و نتوانسته است، افکار کارشناسان را به خریداران کتاب‌های آموزشی و یا تولیدکنندگان آن نزدیک کند.

ارزشیابی

مهم‌ترین موضوع برای جهت دادن، بازار کتاب این است که خریداران کتاب از این کار خود نفع و سودی ببرند. اغلب خریداران کتاب‌های کمک‌درسی به دنبال کسب موفقیت در آزمون‌ها و ارزشیابی‌ها هستند. اگر کتابی تولید شود و به این نیاز پاسخ دهد، قطعاً با استقبال خریداران و مخاطبان مواجه می‌شود. از طرف دیگر، اگر اثری که تولید می‌شود، به ارزشیابی و کسب موفقیت در آزمون‌ها

کمک نکند، تأثیری در مخاطب نخواهد گذاشت؛ حتی اگر برگزیده جشنواره باشد.

واقعیت این است که تا وقتی نظام ارزشیابی در آموزش و پرورش تغییر نکند و تفکر معلمان و دست‌اندرکاران آموزشی مقبول نشود، نمی‌توان انتظار داشت سلیقه بازار کار تغییر کند. وقتی آزمون‌هایی مثل امتحانات نهایی سال سوم راهنمایی یا پایان دوره ابتدایی کاملاً کلیشه‌ای برگزار می‌شوند، و در فرم و محتوا کاملاً تکراری و قابل پیش‌بینی هستند، طبیعی است، عده‌ای از ناشران به تولید کتاب‌های کمک‌درسی براساس آزمون‌های پایانی روی آورند و خریداران آن‌ها نیز با استفاده از این کتاب‌ها، در آزمون‌های پایانی نتیجه می‌گیرند. این سیکل نامیمون خود را تقویت می‌کند و روزبه‌روز فرهنگ معلمان، اولیا و دانش‌آموزان در این خصوص بدتر می‌شود.

خروج از این سیکل مستلزم طراحی آزمون‌های پایانی متفاوت است که البته همین موضوع نیز با مقاومت معلمان و دانش‌آموزان مواجه می‌شود. به‌همین دلیل غالباً شجاعت برای این تغییر بین طراحان سؤال یا مجریان امر ارزشیابی در آموزش و پرورش دیده نمی‌شود. در واقع برای آنکه سروصدایی به‌پا نشود، همان کلیشه‌ها و قالب‌های گذشته هر سال تکرار می‌شوند.

به‌هرحال، اگر قرار باشد روزی کتاب منتخب جشنواره و مورد تأیید کارشناسان در بازار کتاب هم موفق باشد، باید بتواند به ارزشیابی کمک کند، یا اینکه تفکر معلمان را این‌گونه تغییر دهد که آموزش در خدمت ارزشیابی نیست، بلکه ارزشیابی باید در خدمت آموزش باشد. در سال‌های اخیر مجموعه نظام آموزش و پرورش در ایجاد این تغییرات اساسی در ارزشیابی و تغییر رویکرد معلمان موفق نبوده است.

آموزش معلمان

وقتی برنامه درسی و به دنبال آن کتاب درسی تغییر می‌کند، فرصت مناسبی است که هم در ارزشیابی تحول صورت پذیرد و هم اینکه رویکرد معلمان براساس برنامه جدید تغییر یابد. اما این اتفاق نمی‌افتد. هنوز برنامه آموزش معلمان سنتی و فاقد کارایی است، به‌طوری‌که حتی پیام‌های اصلی برنامه‌های جدید به معلمان منتقل نمی‌شود. حتی تعداد زیادی از معلمان نیز دوره‌های آموزشی را نمی‌بینند. به این ترتیب، فرصت‌های طلایی ایجاد تحول در آشفته بازار تغییر کتاب‌های درسی و تعجیلی که در رساندن کتاب‌های درسی به مدارس در اول مهرماه و شروع سال تحصیلی وجود دارد، از بین می‌رود.

یکی از مؤثرترین عوامل در خرید کتاب‌های کمک‌درسی، معلم است. تا وقتی که رویکرد معلم نسبت به انتخاب کتاب مناسب تغییر نکند، آشفته‌گی فعلی در بازار کتاب ادامه خواهد داشت. وقتی معلم درخصوص اهداف اصلی، روش‌های تدریس و شیوه‌های ارزشیابی

آموزش در خدمت ارزشیابی نیست، بلکه ارزشیابی باید در خدمت آموزش باشد. در سال‌های اخیر مجموعه نظام آموزش و پرورش در ایجاد این تغییرات اساسی در ارزشیابی و تغییر رویکرد معلمان موفق نبوده است



ابوالفضل محترمی

برنامه‌های درسی توجیه نمی‌شود و نمی‌تواند از بین کتاب‌های موجود در بازار، کتاب مناسب و مرتبط با برنامه را تشخیص دهد، طبیعی است که در انتخاب خود اشتباه می‌کند. در حال حاضر، معلمان

محترم و زحمت‌کش با اهداف برنامه آشنا نمی‌شوند و بنابراین نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که در مورد معیارها و ملاک‌های کتاب‌های مناسب توجیه شوند.

به‌نظر می‌رسد آموزش معلمان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تغییر و تحول در نظام آموزشی و ارزشیابی است و غفلت از این موضوع موجب می‌شود که دانش‌آموزان و خانواده‌ها به‌درستی هدایت نشوند.

به‌نظر می‌رسد آموزش معلمان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تغییر و تحول در نظام آموزشی و ارزشیابی است و غفلت از این موضوع موجب می‌شود که دانش‌آموزان و خانواده‌ها به‌درستی هدایت نشوند.

سایر عوامل تأثیرگذار

علاوه بر موارد اصلی و مهم فوق، عوامل تأثیرگذار دیگری نیز وجود دارند که فهرستی از آن‌ها به شرح زیر است:

- شیوه‌های نادرست توزیع کتاب‌های کمک‌درسی، از جمله دادن سود به مدرسه، مدیر یا معلم.
- عدم کارایی نظام توزیع کتب‌های کمک‌درسی.
- ناآشنایی ناشران و عوامل تولید با اهداف و رویکردهای برنامه‌های درسی.
- برگزاری آزمون‌های مدارس غیردولتی و تیزهوشان و یا

می‌کنند.

■ نبود نظام مناسب ارزشیابی کیفیت آموزش در مدارس و در نتیجه، تقویت معیارهای کمی و ترویج کسب موفقیت در آزمون‌ها برای مقایسه عملکرد مدارس.

شاید علاوه بر دلایل فوق بتوان موارد دیگری را نیز برشمرد. در پایان و به‌عنوان جمع‌بندی لازم به ذکر است که مجموعه این عوامل نوعی

فرهنگ آموزشی را می‌سازند و تا این فرهنگ عمومی تغییر نکند و متحول نشود، کماکان شاهد شرایط کنونی خواهیم بود که کتاب‌های برگزیده کارشناسان تأثیری بر بازار کتاب ندارد و این بازار آشفته در قبضه آثاری نامناسب است که در این فرهنگ نادرست آموزشی، فقط موجب موفقیت‌های ظاهری می‌شوند و تنها مخاطبان خود را ارضا می‌کنند.

تا وقتی که رویکرد معلم نسبت به انتخاب کتاب مناسب تغییر نکند، آشفتنگی فعلی در بازار کتاب ادامه خواهد داشت